



مظفر محمدی

تعرض به جنبش دانشجویی را باید پس زد

احکام تطبیق و تهدید دانشجویان دانشگاه آزاد سندج باید ملغی گردد!
به دنبال تجمع دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر و صدور بیانیه ای مبنی بر محکومیت سرکوب جنبش دانشجویی و دفاع از آزادیهای سیاسی، تعقیب و تهدید فعالین دانشجویی از جانب نیروهای دولتی شروع شده است. در نتیجه تاکنون ۸ نفر از فعالین به احکام تطبیق از ترمهای تحصیلی و یا توبیخ محکوم شده اند. تهاجم و تعرض رژیم به ترک و تجمعات دانشجویی از همان آغاز سال تحصیلی با اخراج دانشجویان مبارز در سراسر دانشگاههای کشور شروع شده و تا کنون ادامه داشته است.

همزمان جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر امسال با تجمعات اعتراضی خود حضور فعال و تعرض متقابل خود را سازمان داده است. دانشجویان دانشگاه امیر کبیر، احمدی نژاد را به عنوان رییس و نماینده دولتی که مجری سیاست سرکوب

ادامه در ص 3



حضور گارد آزادی در شهر کامیاران

شب گذشته 15 دی ماه 1385 گارد آزادی در شهر کامیاران ابراز وجود کرد. در حرکتی دقیق و سازمان یافته ساعت 10 شب به وقت محلی واحد شماره 5 گارد آزادی، مسلحانه در خیابان بهشتی شهر و مسیر کامیاران - توبره ریز در میان مردم حضور یافت. اعضای واحد گارد آزادی اطلاعیه حزب حکمتیست در محکومیت محاصره اقتصادی آمریکا و سازمان ملل علیه زندگی مردم ایران را در میان عابریین و سرنشینان اتومبیلها و وسایل نقلیه در حال تردد پخش کردند. مردم حاضر در محل با علاقه اطلاعیه حزب حکمتیست را دریافت میکردند. خبر حضور واحد 5 گارد آزادی بسرعت پخش شد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هم از آن با خیر شده و با نیروی زیاد به طرف محل حضور واحد گارد آزادی حرکت کردند. جوانان دلسوزیه فوریت واحد گارد آزادی را از حرکت نیروهای سرکوبگر رژیم به طرف آنها مطلع کردند. واحد شماره 5 گارد آزادی به منظور پرهیز از درگیری نظامی و حفظ امنیت مردم محل در حرکتی مبتکرانه به ابراز وجود علنی خود پایان داد.

حضور علنی و مسلح گارد آزادی در شهر کامیاران، در شرایطی که روزمره جمهوری اسلامی با قدری در صدد تحمیل محدودیتهای و اعمال فشار بر مردم است، نشان این واقعیت است که میتوان در همان محلات شهرها و محیط زیست مردم یک اهرم قدرتمند مبارزه و اعتراض علیه ارتجاع و جمهوری اسلامی را سازمان داد. در واقع فراخوانی به جوانان و مردم علاقمند است که ایجاد واحدهای گارد آزادی این پیام آوران آزادی و برابری را گسترش دهند و گارد آزادی و حزب حکمتیست را تقویت کنند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست و فرماندهی گارد آزادی این حرکت موفق را به واحد شماره 5 گارد آزادی تبریک میگوید. از همکاری جوانان و مردم کامیاران با این واحد گارد آزادی قدرانی میکند.

**کمیته کردستان حزب حکمتیست
فرماندهی گارد آزادی**

16 دی 1385 - 6 ژانویه 2007



کورش مدرسی

قوم پرستی جامعه را به تباهی میکشد

سوال:

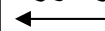
با سلام آقای مدرسی!

من بیشتر مطالب رفیق منصور حکمت را خوانده ام تا حد زیادی هم با مسائل مربوط به حزب حکمتیست و کلا جنبش کمونیست کارگری آشنایی دارم! به نظرم حزب شما یک حزب چپ انقلابی و انسانی است که در شرایط حاضر کلا در خاورمیانه می تواند روزنه ای امید باشد برای آزادی و برابری انسان ها!
با این مقدمه کوتاه می خواستم نظر شما را به یک نکته کوتاه جلب کنم و امیدوارم که این سوال من را در صورت امکان پاسخ بگوید:

یکی از عمده ترین مسائل و موضع گیری های حزب حکمتیست و مشخصا شخص شما در مبارزه و افشا جریانات قوم گرا و ناسیونالیسم افراطی هست! به نظر من هم در این شرایط این یک سیاست درست و انسانی است! اما مسئله این جاست که در این میان من گمان می کنم مرز های یک جریان مارکسیست - لنینیست که یکی از پایه هایش بر اصل انسانی انترناسیونالیسم استوار است با جریانات ناسیونالیسم عظیم طلب ایرانی و پان ایرانیست ها چندان آشکار نیست!

البته من به شخصه می دانم و مطمئن هستم که جریان شما مرز های جدی با این مرتجعان دارد اما فکر می کنم شما خطر آنان را کمتر از ناسیونالیست های کرد و ترک و عرب و... می بینید!

اما به نظر من که از نزدیک در داخل کشور با این مسائل درگیر هستم نیرو های ناسیونالیسم ایرانی و پان ایرانیست ها اگر نه بیشتر اما قطعاً کم تر هم نه از عمو زاده



ابراهیم باتمانی

اکتبر می پرسد:

واحد شماره 5 گارد آزادی اخیرا در شهر کامیاران حضور پیدا کرد.

انعکاس این حرکت در میان مردم چگونه بوده است؟ نیروهای سرکوبگر رژیم چه عکس العملی نشان داده اند؟

ابراهیم باتمانی:

حضور موفقیت آمیز و مسلحانه واحد 5 گارد آزادی در خیابان بهشتی شهر کامیاران و مسیر کامیاران - توبره ریز باعث شادی و خوشحالی عابریین و مردم محل شد، مردم زمانی که متوجه شدند که گارد آزادی در میانشان حضور یافته، به گرمی از

ادامه در ص 3

مصاحبه با آزاد زمانی: از موسسین کانون دفاع از حقوق کودکان

پیرامون برگزاری
فستیوال آدم بر فیها در

سندج

ص 4



هاي کرد و ترک و عرب و... خود خطرناک هستند.

به نظر با عملکرد این نوع ناسیونالیسم که مرز های ایران پر گهرش را حتی به قیمت کشتن میلیون ها انسان می خواهد حفظ کند بسیار برای آسینده جامعه ما خطرناک است! در ضمن این نیرو ها از پشتیبانی امپریالیسم و سرمایه داری جهانی نیز برخوردارند! همچنین عملکرد ناسیونالیست های ایرانی و فارس همچون بنزینی است که بر روی آتش قوم گرایی دیگران ریخته می شود! به نظر باید خطر اینان هم دست کم نگرفت!

آیا به نظر شما این مسئله که در تعرضات و افشاگری های حزب شما و مشخصا شخص شما کم تر به اینان پرداخته می شود کوچک شمردن این خطر نیست؟

خوشحال می شوم که این مسئله را به قدر لازم برای من باز کنید و به آن بپردازید!

با آرزوی موفقیت برای شما
امضا محفوظ

جواب :

دوست بسیار گرامی

نظر مثبت شما به حزب ما باعث خوشحالی است و از لطف تان ممنون هستم.

در مورد مسئله ناسیونالیسم و قوم پرستی باید این مسئله را در دو سطح نگاه کرد:

اول اینکه ناسیونالیسم از هر نوع آن یک جریان ضد ارزش های انسانی و لذا ضد کمونیسم مارکس است. کسی که مبنای هویت و لذا حق انسان ها را قومیت، نژاد، جنسیت، جغرافیا، تاریخ و یا هر چیز دیگری جز ارزش بی اما و اگر و مطلق انسان، بدون هیچ یک از این ویژگی ها و تعلقات، قرار ندهد، کسی که مدافع حق مساوی همه انسان ها در برخورداري از نعمات مادی و معنوی موجود در جهان نباشد، طرفدار و مدافع یک نوع انسان در مقابل یک نوع دیگر خواهد شد. طرفداری از تبعیض در میان انسان ها در دسترس به نعمات زندگی بر همین مبنا است. اساس جامعه طبقاتی و امروز سرمایه داری بر اساس تقسیم بندی کردن انسان ها به طبقات مختلف و تقسیم حق و حقوق آنها بر همین مبنا است. کارگر و سرمایه دار دو انسان مختلف هستند با حقوق مختلف.

ناسیونالیسم یکی از مهمترین ابزار های بورژوازی برای حفاظت از خود در مقابل کارگر "نایسون" و به کار گرفتن این کارگر برای تقسیم ثروت جامعه به

نفع بورژوازی ملی است. بورژوازی برای حفاظت از خود، برای توجیه عشقی که کارگر و زحمتکش باید به او داشته باشند هویت ملی مشترک، عشق کارگر به سرمایه و سرمایه دار خودی و نفرت کارگر خودی از کارگر ملت مقابل را شکل میدهد. البته عروج ناسیونالیسم در یک جا ناسیونالیست های متقابل را با خود به میدان می آورد. ارتجاع، ارتجاع میزاید. در نتیجه ناسیونالیسم از زاویه انسانی و کمونیستی فاقد هر جنبه محترم و مثبتی است. تبلیغات ما و افشاگری ما در این رابطه باید کل انواع ناسیونالیسم را هدف قرار دهد و به طبقه کارگر و به جامعه بشناساند.

اما هر سنت سیاسی، از جمله ناسیونالیسم، علاوه بر نقشی که در رابطه با امر رهایی انسان بازی میکند، در هر موقعیت معین تاریخی در یک جامعه نیز نقش ویژه ای را بازی میکند. در دنیای امروز ما، به گمان من نلسون ماندلا، کاسترو، چاوز هم از جمله ناسیونالیست هستند. از نظر سنت اجتماعی نقد من به این ها همان نقدی است که بالاتر توضیح دادم. اما حساب اینها از کارتنریج و بن لادن یا ناسیونالیست های کرد عراق جدا است. آنها به عکس ماندلا یا کاسترو برای مردم سیه روزی به بار آوردند.

ماندلا آفریقای جنوبی را از خطر تبدیل شدن به یک عراق نجات داد. طبقه کارگر در آفریقای جنوبی به شدت استثمار میشود، دولت آفریقای جنوبی دولت سرمایه داری است که حتی خطر این را انکار میکند. اما آفریقای جنوبی با عراق و رواندا فرق دارد. برای طبقه کارگر و برای هر انسانی این فرق مهم است و هر حزب سیاسی جدي باید این تفاوت را ببیند. بحث بر سر امتیاز دادن به یکی نیست بحث بر سر دیدن خطر اضافی دیگری است.

ناسیونالیسم در ایران هم درست همین موقعیت را دارد. در ایران ما جنبش ناسیونالیسم ایرانی را داشته ایم که مهمترین نمایندگان آن سلطنت پهلوی ها همینطور مصدق و جبهه ملی بوده اند. در بعد محلی جنبش ملی در بطور واقعی تنها در کردستان ریشه گرفت. دلایل این را جای دیگری توضیح داده ایم اما به عنوان یک مشاهده این را میشود دید.

بحث بر سر ستم ملی نیست. ستم ملی در جاهای دیگر ایران هم هست. ستم ملی یکی از انواع ستم هائی است که وجود دارد و غالباً از سایر ستم ها "کم ستم" تر است. مثلاً در قیاس با ستم بر

زنان یا ستم بر طبقه کارگر یا ستم بر کودکان، ستم ملی بسیار "ملايم" است. مسئله این است که در شرایط خاصی به همت ناسیونالیست ها مسئله ملی عروج میکند و جنبش ملی شکل میگیرد. پاسخ ستم ملی البته جنبش ملی نیست، همانطور که پاسخ ستم بر زن این نیست که باید کشور را مردانه - زنانه کرد . جنبش ملی یک پاسخ است و غلط ترین پاسخ.

جایی که مستقل از خواست ما مسئله ملی عروج کرده و جنبش ملی راه افتاده است ما باید برای این مسئله راه حل ی را جلو بگذاریم. این راه حل همان است که در برنامه ما آمده است. رفرا ندیم برای تصمیم در مورد ماندن با بقیه مردم ایران بعنوان شهروندان متساوی الحقوق و یا جدائی.

اما امروز ما در جهان با صورت مسئله جدیدی روبرو هستیم مسئله ای که ما تحت عنوان سناریو سیاه و سناریو سفید در سرنگونی جمهوری اسلامی از آن یاد کرده ایم.

برای بخش مهمی از اپوزیسیون، هم ما و هم برای بورژوازی، مبارزه سیاسی، قیام، انقلاب یا کودتا، مسیری است که در ابتدای آن جامعه، نظام و دولت معینی هست و در آخر آن هم جامعه، نظام و دولت دیگری قرار دارد. برای ما اول این مسیر جمهوری اسلامی است و سر بعدی این خط جمهوری سوسیالیستی. برای بخش مهمی از بورژوازی سر بعدی نظام سلطنتی یا پارلمانی است. در هر حال در این مسیر وجود جامعه مدنی وجود نظم اجتماعی و وجود دولت مفروض است. مبارزه سیاسی میان این نیروها شکل انقلاب، کودتا و یا انتخابات پارلمانی میگیرد اما هر دو طرف به وجود جامعه و حفظ مدنیت در جامعه پایبند هستند.

دنیای امروز شاهد تولد یا شاید باید گفت پا گرفتن جریاناتی شده است که ایستگاه بعدی در استراتژی آنها فروپاشی جامعه، تبدیل کردن ایران به عراق دیگری است. اینها هم نوع قومی (مثل زحمتکشان و الحواز و ناسیونالیست های ترک و غیره) دارند و هم نوع مذهبی - ملی (مثل مجاهدین خلق و غیره). اینها نیروهای سناریو سیاه هستند. بخشی از ناسیونالیست ها و نیروهای قوم پرست در ایران در مقابل جامعه ایران راه فروپاشی مدنیت و راه سناریو سیاه را قرار میدهد. ناسیونالیسم، ناسیونالیسم است و همه انواع آن ارتجاعی هستند. اما نیروهائی هستند که علاوه بر این دارند کل جامعه را به

عمق یک تباهی سوق میدهند. این نیرو های سیاسی، چه ناسیونالیست باشند و چه مذهبی، موقعیت جدید و خطر جدیدی را در مقابل جامعه قرار میدهند که با سایر نیرو های ناسیونالیست و یا مذهبی متفاوت است. و در نتیجه بعد جدیدی به فعالیت و تبلیغات ما میدهد - ما را در مقابل وظایف دیگری قرار میدهد. بدون وجود این نیروها و بدون وجود خطر سناریو سیاه مثلاً بحث از گارد آزادی در خارج از کردستان موضوعیتی ندارد. ممانعت از تحقق سناریو سیاه به کار ما ابعاد جدیدی داده است، سرعت و نوع تاکیدات ما در بسیج و سازماندهی متفاوت کرده است.

شاه بیت و پرچم قومی این حرکت ناسیونالیستی جدید فرالیسم قومی است. حزب دمکرات کردستان ایران تا وقتی خودمختاری میخواست یک نیرو بورژوازی بود که میخواست در محل سهم بیشتری از ثروت و امکانات جامعه از بدست آورد. وقتی طرفدار فرالیسم شده به حرکت دیگری پیوسته است. تشخیص این دو مسیر برای هر نیروی سیاسی حیاتی است.

با بورژوا اولی باید به سبک کلاسیک مبارزه کرد، انقلاب و قیام را سازمان داد، اما این دومی را باید با قدرت سرکوب نمود. بورژوا اولی از سر منفعت طبقاتی خود نمیخواهد جامعه بپاشد و بورژوازی دومی از همین سر درست میخواهد جامعه را به پاشد. مردم این تفاوت را میبینند و اگر ما آن را نبینیم، به مقابله با آن نرویم و جامعه را علیه آن سازمان ندهیم که بتواند از خود دفاع کند در بهترین حالت صحنه را به بورژوازی نوع اول که حفظ مدنیت جامعه برایش مهم است خواهیم باخت. چه بسا فاشیسم ایرانی و یا خود جمهوری اسلامی، به عنوان ناجی جامعه، عروج میکند. نمونه عراق که چگونه اسلام سیاسی چنین موقعیتی را احراز کرده است باید برای ما آموزنده باشد. این واقعیت است که در تبلیغات ما، در افشاگری های ما و در تاکیدات ما برجسته است و شاید این تاکیدات است که سوال شما را شکل میدهد.

امیدوارم توانسته باشم نکته مورد نظر شما را روشن کنم در این رابطه بویژه توجه شما را به نوشته منصور حکمت تحت عنوان سناریو سیاه و سناریو سفید در لینک زیر جلب میکنم:

<http://hekmat.public-archive.net/fa/0810fa.html>

ادامه تعرض به جنبش .. از ص 1

دانشجویان و مردم است، به چالشی جسورانه طلیبند. دانشجویان رودر روی احمدی نژاد و چشم در چشم او در حالیکه توسط نیروهای نظامی و لباس شخصی و فالانژهای بسیج احاطه شده بود، او را به عنوان عمل سرکوب و تهدید و ارعاب و اخراج دانشجویان محکوم کردند و به نشانه اعتراض به این جنایات، عکسهایش را جلو چشمان از حلقه در آمده این رییس چماق به دستها و فالانژهایش سوزاندند.

اکنون دولت رسوای اسلامی میخواهد از این تحرك انسانی و آزادیخواهانه انتقام بگیرد و فعالین دانشجویی را مورد آزار و محرومیت از تحصیل و حضور در دانشگاهها قرار داده است. شعار دانشجویان در سراسر ایران این است که دانشگاه پادگان نیست. آزادی و حرمت انسانی باید از هر گونه تعرض و سرکوبگری مصون باشد. این پیام همه مردم ایران اعم از کارگر و زن و مرد و جوان است.

جلو این موج تعرض را باید گرفت. دانشجویان اخراجی باید به دانشگاهها برگردند و احکام تطبیق و تعقیب باید فوری ملغی گردند. دانشجویان فرزندان کارگران و مردمند. حمله به آنها حمله به حقوق و

آزادیهای فردی و اجتماعی و انسانی همه شهروندان مملکت است

از طرف دیگر و همچنانکه همه شاهدیم، شیعات تحکیم وحدت به جای استقبال از طلیعه جنبشی انسانی و آزادیخواهانه در دانشگاهها، از خطر رایکلیزه شدن جنبش دانشجویی حرف میزنند، لیبرالها به جمهوری اسلامی هشدار میدهند که شیخ کمونیس بر فراز دانشگاهها در گشت و گذار است و ناسیونالیستهای کردی بر طبل قومپرستانه جنبش دانشجویی کردی میزنند و میخوانند افکار و سیاست عجب مانده خود را در میان دانشجویان گسترش دهند و شعبه کردی در تحرك دانشجویی را سروسامان دهند. ، اما جنبش و اعتراض دانشجویی رایکال و انسانی عزم جزم کرده است تا پرده این رایکالیها را کنار زده و در قد و قامت جدید و با صدای رسا و علنی و جسور اعلام کند که دانشگاه پادگان نیست. که آزادی و انسانیت باید محترم شمرده شود، که تعرض به حقوق کارگر محکوم است، که حقوق برابر زن و مرد باید برسمیت شناخته شود. جامعه ما با آغوش باز به استقبال این تحرك انسانی میرود.

چه از نظر حقوق دانشجویی در دانشگاهها و چه از منظر جامعه این صدای انسانی را باید استقبال کرد. احمدی نژادها باید دست و پای خود را جمع کنند. بسیج دانشجویی این

فالانژهای مامور و جاسوس دولت در دانشگاهها، باید دشمنان را روی کوشان بگذارند و بروند. باید در دانشگاهها و در کل جامعه ما فضای انسانی و آزاد بوجود آید. نسیم این آزادی وزین گرفته است. این پیش در آمد و سر آغاز طوفانی است که در راه است. طوفانی که حد اقل نتیجه فوری اش پس زدن تهاجم به دانشگاهها و اخراج و تطبیق دانشجویان و متعلقا فضای آزاد و انسانی در این محیط است.

این خواست همه است. از کارخانه تا محله و تا همه شهروندان ایران اعم از زن و مرد جوان.

این دیگر آرزو نیست. این اقدامی است که همین امروز در دستور است. برای تحقق این امر انسانی جامعه ما به یک صدایی و انسجام و هماهنگی احتیاج دارد.

برگرداندن همه دستان به دانشگاهها و لغو احکام تطبیق و توییح و تهدید کار همه دانشجویان است. لغو احکام تطبیق و توییح دانشجویان دانشگاه آزاد سنددج کار همه دانشجویان این دانشگاه و دانشگاه کردستان است. عملی کردن این کار مثل نان روز برای دانشجویان حیاتی است.

برای این کار، نامه ها و طومارها و تجمعهای اعتراضی لازم است. تبدیل کردن کلاسهای درس به بحث و جدل پیرامون آزادی و حرمت انسانی لازم است. تهدید به

تعطیل کردن کلاسها و پافشاری بر لغو احکام صادره لازم است. حضور پدران و مادران این دانشجویان در تجمعات دانشگاهها و در کلاسهای آنها برای دفاع از حقوق و آزادی فرزندانشان لازم است. سرازیر شدن نامه ها و تومار و قطعنامه ها به نشانه اعتراض به این تهاجم و برای پس زدن آن لازم است.

دوستان! دانشجویان دانشگاهها!

آزادی و دفاع از حقوق انسانی پیش شرط هر گونه پیشرفت در تحصیل و در کسب شغل و موقعیتی که نان و رفاه و زندگی جوانان را تامین کند، است. انسان قبل از هر چیز به نفس کشیدن در هوای پاک و زندگی در آزادی و حفظ حرمت انسانیت نیازمند است. این را باید به دست آورد. این شدنی است. باید آستین ها را بالا زد. همانطوریکه دوستانی از میان شما این کار را شروع کرده اند. دستپاها را به آنها بدهید. شعار دانشگاه پادگان نیست، آزادی اول است، انسانیت اول است را متحقق کنید. کل انسانهای جامعه ما از کارخانه ها و دانشگاهها و مدارس و محلات و... تشنه این فضا و زندگی انسانی است. ما همه شایسته زندگی در جامعه ای آزاد و انسانی و برابریم و این جز با دستهای خود ما ممکن نیست.

کردند، مردم و جوانان هوشیار واحد گارد آزادی را با خیر کردند. واحد 5 گارد آزادی چون قصد درگیر شدن با نیروهای رژیم را نداشتند و نمیخواستند امنیت مردم و عابرین به خطر بیفتد. به کمک مردم و جوانان هوشیار محل حضور را ترک کردند و به حضور علنی خود در آن منطقه خاتمه دادند.

من از مردم منطقه و جوانانی که دلسوزانه واحد 5 گارد آزاد را در حین انجام مامویت کمک کردند، تشکر و قدردانی میکنم، و به واحد 5 گارد آزادی خسته نباشید میگویم. دست تگ تگ آنها را میفشارم. انجام ماموریت موفقیت آمیز آنها را تبریک می گویم.

کمک مالی مستقیم:

ابراهیم هوشنگی: 1123 کرون دانمارک

ب/د از آلمان: 10 یورو

م/ماز لندن: 10 پوند

آباجی: 100 کرون

کمکهای مالی خود را از هر طریق

ممکن و از جمله شماره حساب زیر به

کمیته کردستان حزب حکمتیست و

گارد آزادی برسانید.

شماره حساب بانکی کمیته کردستان

f.i.k.f.k

8424-4

903 526 589-2

Swed bank

ادامه اکتبر می پرسد از ص 1

آنها استقبال کردند و اطلاعیه حزب حکمتیست را که در مورد تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا و سازمان ملل بود، از گارد آزادی دریافت کردند. مردمی که در محل بودند با شور و شوق اطلاعیه حزب را میگردقتند. در مدتی که واحد 5 گارد آزادی در میان مردم حضور داشت، جوانان هر گونه حرکت نیروهای رژیم جمهوری اسلامی را زیر نظر داشتند. خبر حضور واحد 5 گارد آزادی سرعت در مناطق مختلف کامیاران پخش شد.

زمانیکه نیروهای رژیم بطرف محل حضور نیروهای واحد 5 گارد حرکت

کمکهای مالی به کمیته کردستان حزب و گارد آزادی در 2 ماه اخیر

کمکهای مالی جمع آوری شده توسط:

1- صالح سرداری و عبدالله

دارابی: 5000 دلار

2- جمال پیرخضرائیان: 4228 کرون

سوند

3- مریم افراسیاب پور: 6500 کرون

سوند

4- جمع رفقا سلام زیجی، گلاویژ

مصطفی پور، رستم گودری، چپمن

دارابی و سیوان رضایی: 2500

کرون سوند

اجتماعی، حقوقی و سیاسی جامعه مملو از نقاط قوت برای پیشرویهایی این جنبش و نهادهای مدافع حقوق کودک است.

نقطه قوت جنبش دفاع از حقوق کودکان برائیک است، سازمان اجتماعی متکی بر اراده مردم است، کار اجتماعی ما در دوره گذشته تجاربی گرانبها برای فعالین و نهادهای اجتماعی مدافع حقوق کودک به ارمغان آورده است، کانون دفاع از حقوق کودکان ابتکارات و خلاقیتهای نوینی باخود دارد، بسیاری از فعالیتهای اجتماعی و نوآوریها در کار سازمانی و اجتماعی این نهاد قابل تعمیم و تکثیر برای سایر نهادها منی و اجتماعی است، باید نهادهای اجتماعی و فعالین حقوق کودک از این تجارب و دستاوردها برای گسترش جنبش دفاع از حقوق کودکان در ایران استفاده کنند.

باز تکثیر کارهای عملی "کانون دفاع از حقوق کودکان" در همه شهرها و بخشهای جامعه ایران اولین گامی است که باید انسانهای آزاده و عدالت خواه در دستور کار زندگی خود قرار دهند همراهی و هماهنگی فعالین و نهادهای مدافع حقوق کودک برای برگزاری مراسمها و تلاش های جمعی دفاع از حقوق کودک، یک ضرورت حیاتی در امر گسترش جنبش دفاع از حقوق کودکان ایران است. کانون دفاع از حقوق کودکان می تواند رهبری و حلقه ارتباطی فعالیتهای وسیع تری در مقیاس سراسری باشد.

اکتبر پنجشنبه ها منتشر

میشود

اکتبر را تکثیر و توزیع کنید.

ادامه مصاحبه آزاد زمتی از ص 4

انشا کرد. مانع اساسی کلیت سیستمی است که بر زندگی کودکان سنگینی می کند. سیستمی که فقر و فلاکت نمانی وی حقوقی را به کودک تحمیل کرده است. همین مناسبات وضع موجود است دولت و همه ارگانها و مناسبات حاکم بر جامعه مقصر اصلی تحمیل هرگونه رنج و مشقت بر کودکان هستند. کار کشیدن از گرده کودکان زیر 18 سال رابطه مستقیم با دولت و قانون کار دارد. اگر کودک کار و خیابانی وجود دارد. اگر کودک فقیر و بیوا وجود دارد. اگر کودک بی پناه وجود دارد. یعنی فاصله طبقاتی وجود دارد. یعنی به قیمت

فقر و فلاکت و بی پناهی کودکان ثروت یک جلی انباشت می شود. اگر کودک یا نوجوانی زندانی می شود شلاق می خورد. شکنجه می شود و پس از یک دوره طولانی زندانی شدن و حبس کشیدن همین که به سن 18 سال میرسد بدار آویخته می شود، یعنی دستگاه قانونی و قضایی، انتظامی و اجرایی در نقض حقوق کودک دست دارند. جنبش دفاع از حقوق کودک به مصاف چنین وضعیتی رفته است. از کوچکترین مسایل مربوط به زندگی کودک پوشاک و غذا از شادی و رفاه از دارو درمان گرفته تا پیکار برای تامین حقوق همه کودکان و هر چیزی که به زندگی کودک مربوط است و می تواند بهبودی در وضع زندگی کودک حتی اگر نسبی هم باشد ایجاد کند، حیطه کار و فعالیت ما و جنبش ما را تشکیل می دهد. تجارب هفت، هشت سال گذشته کار و فعالیت مداوم ما در همه عرصه های فرهنگی،



مصاحبه با آزاد زمانی از موسسین کانون دفاع از حقوق کودکان

اکتبر:

اخیرا در شهر سنج از طرف " کانون دفاع از حقوق کودکان به روال سالهای گذشته فستیوال آتم برفی ها برگزار گردید. برگزاری مستمر این فستیوال طی چند سال اخیر بنوعی مبدل به سنت و حرکتی اجتماعی شده است. شما یکی از فعالین و سازماندهندگان اصلی این حرکت در سالهای گذشته بوده اید. در ابعاد اجتماعی چه هدفی را تعقیب میکردید؟ و آیا تاکنون توانسته است بر زندگی کودکان و مناسبات بر آنها تأثیرات مثبت داشته باشد و مسیر رسیدن به هدف مورد نظر را هموار کند و اگر نه، موانع جدی چه میباشند؟

آزاد زمانی:

فستیوال آتم برفیها یکی از عرصه های کار کانون ما برای برجسته کردن حقوق کودکان بوده است. هدف ما همانطور که در ابتدای کار بطور علنی اعلام کرده بودیم رفع استثمار از کودکان و مبارزه برای تامین حقوق کودک است، جلب حمایت مردم به رعایت حقوق کودک است، گسترش جنبش دفاع از حقوق کودک در برابر نقض حقوق کودک است، تلاش برای نامین زندگی برای همه کودکان است. چقدر به این اهداف رسیده ایم به چه میزان فرهنگ و مناسبات اجتماعی را تحت تأثیر فعالیت گسترده خود قرار داده ایم یا مبارزه و تأثیر این جنبش تاچه حدی توانسته است ناقضان حقوق کودک را به عقب براند، باید پرونده عملی سازمان اجتماعی این جنبش را مطالعه کرد، باید اسناد و کارها را مرور کرد باید تاریخ کمتر از یک دهه این سنت از مبارزه را ورق زد، باید در خیابانهای سنج و تهران تلاش های این جنبش را ارزیابی کرد، باید به جمع چند هزار نفره روزجهانی کودک در پارک لاله تهران، طلقاتی کرج، میدان آزادی و سالن اوراز سنج، سفر و خرم آباد نگاه کرد، نمادهای عینی و معیارسنجش جنبش ما حضور مردم پشت سر پرچم دفاع از حقوق کودک است، معیار ارزیابی ما پراتیک اجتماعی در جامعه است. ملیک سنت تازه و یک جنبش با تاریخی کمتر از یک دهه هستیم با قدرت ظاهر شده ایم و با قدرت اجتماعی ادامه می دهیم، روزنه امید ی برای دفاع از کودکان

جامعه گشوده ایم، مسیر را داریم طی می کنیم، با سختیها و موانع تا سرحد ممکن ها می جنگیم به هر اندازه مردم همراهی کنند به همان اندازه دسترسی به اهداف و برنامه های تعیین شده ممکن خواهد شد.

فستیوال آتم برفیها یکی از جلوه های زیبا و پراحساس جنبش اجتماعی دفاع از حقوق کودکان است. فستیوال آتم برفیها آئینه یک سنت اجتماعی مدرن و جا افتاده است. سنت و رویکردی اعتراضی اجتماعی که در نوع خودش در تاریخ ایران و خاورمیانه بی سابقه است. استقبال پر شور مردم، نمادها و مطالبات مطرح شده، بیانیه ها و قطعنامه ها، هنر آفرینی اعتراضی اجتماعی در شکل آتم برفیها، تندیس ها و نقاشی های کودکان و نوجوانان و دهها خصوصیات دیگر ابعاد عظمت و جایگاه نقش آفرینی فعالین حقوق کودک و کانون دفاع از حقوق کودکان را در جامعه به خوبی نشان میدهد. یکی از ویژه گیهای این فستیوالها شرکت وسیع کودکان همراه خانواده هایشان در برگزاری هر ساله این مراسم جمعی است. کانون مبتکر و سازمانده این جشن هاست اما این خود مردم، کودکان و نوجوانان هستند که با فعالیتهای هنری و جمعی فستیوال را شکل میدهند. هر ساله کانون برای برگزاری این جشن فراخوان داده است با وجود محدودیت ها و سنگ اندازی های فراوان، همچنین محدودیتهای تبلیغی و مالی، مردم تا آنجایی که باخبر شده اند از این فستیوال استقبال کرده اند. مردم کانون را می شناسند. کانون در همه شهر های کردستان و همچنین تهران و کرج اعضا دارد. کانون به سنگر دفاع از حقوق کودک تبدیل شده است. کانون نزدیک به هشت سال است پرچم دفاع از حقوق کودک را به اهتزاز در آورده است. برگزاری فستیوال آتم برفیها ابتکاری از طرف کانون دفاع از حقوق کودکان برای تحکیم سنگر دفاع از حقوق و حیثیت انسانی کودکان جامعه است، مردم با علاقه در آن شرکت می کنند. فستیوال آتم برفیها بعنوان یک سنت مدرن و شاد، مدافع حقوق کودک هر ساله چند بار تکرار می شود استقبال مردم تا آنجا پیش رفته است که در برخی شهرها مردم چند صد کیلومتر دنبال برف می روند تا همزمان با دیگر شهرها فستیوال را برای کودکانشان برگزار کنند. همین اقدام مردم کامیاران نمونه بارزی از علاقه مندی و دخالت مردم در جنبش دفاع از حقوق کودک است.

اولین سالی که ما طرح برگزاری جشن آتمک برفی را دادیم هنوز کانون رسماً تشکیل نشده بود. در اتفاق با دیگر نهادها استارت را زدیم ولی نتوانستیم آنچه را که هدف فستیوال بود تامین کنیم ولی سالهای بعثش که کانون رسماً اعلام موجودیت کرد و مردم کانون را شناختند، اهدافش را شناختند، رهبران را شناختند، کارهایش را

تجربه کردند، و تفاوتها و تمایزهایش را با دیگر نهادها و سازمانها دریافتند، کانون را بعنوان تشکل اجتماعی مدافع حقوق کودک انتخاب کردند و به عضویتش درآمدند. بطور مستقیم در انجام کارهایش دخیل شدند. از این پس مراسم با حضور چند هزار نفره مردم در همه شهرها با شکوهتر برگزار شد.

نقطه قوت کانون مردم بودند، اراده اجتماعی مردم بود، کانون دفاع از حقوق کودکان جامعه تشکیل شد. و در این راه تلاشهای بسیاری از خود نشان داده است. کانون عملاً توانسته است مردم را در مبارزه جمعی برای احقاق حقوق کودک برای رعایت حقوق کودک بسیج و سازماندهی کند با این همه هنوز ما ابتدای کار هستیم و خیلی از کارها انجام نشده است. برگزاری مراسمهای روزجهانی کودک، فستیوال سی هزار نفره آتمک برفیها در سنج و شهرهای کردستان، نمایشگاه نقاشی و ایستگاه شادی، رژه دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان، کمپین برای جمع آوری مین ها، همایش ها و سمینارهای روزجهانی کارگر، کودکان بی پناه، کمپین اعتراضی در دفاع از جان ژیل و بختیار ایزدی، همایش بهداشت و سلامت کودکان، همایش علیه اعدام و خشونت، سازماندهی دهها کمیته حمایتی و مندکاری برای کودکان بی پناه و خیابانی و کودکان بیمار و معلول گوشه های از تلاش عملی و سازمان یافته کانون در جامعه است.

کانون پرچم جنبش دفاع از حقوق کودک را در زمین جامعه علم کرد. مردم را به رعایت حقوق کودک فراخواند. مردم را برای مبارزه علیه خشونت و استثمار کودکان سازماندهی کرد. در برابر اعدام و سنگسار ایستاد. دولت را برای سازماندهی و تامین زندگی انسانی برای همه کودکان به چالش کشید و...

مردم امروز دیگر عقب نمی کشند. بلکه ابعاد این تلاش در همه جای ایران گسترش پیدا کرده است. یک سر این جنبش در سنج و سفر یک سرش در خرم آباد یک سرش در تهران است. تلاش کانون بر این بوده است این سنت از مبارزه جمعی تکثیر شود، در همه شهرها گسترش پیدا کند، نهادهای دیگر را در دفاع از حقوق کودک تحت تأثیر قرار دهد، انتظار مجموعه کانون گسترش جنبش دفاع از حقوق کودکان در کل جامعه است. امروز دیگر روزجهانی کودک به یک شهر محدود نمی شود. از پارک لاله تهران تا آزادی سنج و تا کوچه های کامیاران و پارک کیو خرم آباد صف رادیکال دفاع از حقوق کودک برای همگان ملموس و قابل فهم است.

من فکر می کنم سنتی که ما استارتش را زده ایم جنبشی که پرچمش را برافراشته ایم عمومیت پیدا کرده است. مردم و فعالان حقوق کودک در همه شهرها میل و علاقه

دارند که این سنت را باز تولید کنند. روز جهانی کودک، فستیوال آتم برفیها و همایشهای دفاع از حقوق و زندگی کودک باید در دستور کار بسیاری از نهادها و شخصیتها در سراسر کشور قرار گیرد و هم اکنون قرار گرفته است.

این سنت گرچه از عمرش کمتر از یک دهه میگذرد اما رهبریش، افقش، اهدافش و پراتیک اجتماعی در جامعه نهادینه شده است. سازمان دارد سوخت و سازش از جامعه تامین میشود. با وجود محدودیتها و فشارهای زیاد مداوماً وسعت و قدرت میگیرد. رزومرزش تثبیت و استمرار این جنبش نیروی اجتماعی است.

مادامیکه حقوق کودک در جامعه هنوز نقض میشود. مادامیکه کودک کار و خیابان داریم. مادامیکه کودک زندانی می شود، اعدام می شود، شکنجه می شود، استثمار می شود، جنبش دفاع از حقوق کودک باید بسیار قوی تر و سازمان یافته تر و متحد تر از آنچه که هست در برابر نقض آشکار حقوق کودک قد علم کند. هر تغییری در زندگی کودک به تلاش ما و جنبش ما بستگی دارد اگر امروز نیروهای انتظامی جرات نمی کنند آشکارا کودک را شلاق بزنند اگر امروز ژیل و بختیار ایزدی از مرگ نجات پیدا می کنند حاصل کار این جنبش است اگر امروز سی هزار نفر جمع میشوند و در فستیوال آتم برفیها علیه شکنجه و استثمار و اعدام شرکت می کنند، هرگونه تغییری نسبی در زندگی کودک در ایران مهر تأثیر و تلاش فعالین کانون و جنبش دفاع از حقوق کودکان را بر خود دارد.

برگزاری روزجهانی کودک امسال در همه شهرها و فستیوال آتم برفیها یک پیشروی بسیار مهم جنبش دفاع از حقوق کودک در ایران است و باید با دیده احترام و خوشبینی به پیامهای آن نگریست. باید قلم رنگین نقاشی کردن دنیایی شاد را درست بگیریم و در فعالیتهایمان دنیایی رنگین به زیبایی آرزوهای کودکان به تصویر بکشیم. فستیوال آتم برفیها قلم احساسات کودکان بر خیزان این دنیای وارونه و نابرابر است قلمی که خطوط رنگین کمان آفتاب روشن را به تصویر می کشد و نوب شدن یخ هارا نوید می دهد، فستیوال آتمک برفیها یکی از بیش درآمد های تقویم روزانه دنیایی است که متلاش می کنیم برای کودکانمان به ار مغناطیس بیآوریم.

اکتبر:

موانع اساسی سر راه رسیدن به اهداف مورد نظر چیست؟ بنا به تجاربی که دارید. فعالین این عرصه در ارتباط و هماهنگی با دیگر " کانونها و نهادهای اجتماعی " چکار باید بکنند؟

آزاد زمانی:

موانع و مشکلات کار و فعالیت رانمی توان

ادامه در صفحه 3

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com

Tel:0046739855837